

ORIGINAL ARTICLE

تأثیر پذیری شخصیت چند بعدی علامه قطب الدین شیرازی از فضای فرهنگی شیراز

The Impressionability of Multidimensional Character of Allama Qutb al-Din Shirazi, from the Cultural Atmosphere of Shiraz

Mostafa Nadim¹

1- Department of History, Faculty of Literature and Humanity, Shiraz University, Shiraz, Iran

Correspondence: Mostafa Nadim; Department of History, Faculty of Literature and Humanity, Shiraz University, Shiraz, Iran.
mostafa_nadim@yahoo.com

مصطفی نادیم^۱
۱- گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه
شیراز، شیراز، ایران
نویسنده مسئول: مصطفی نادیم، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و
علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
mostafa_nadim@yahoo.com

Abstract

Allama Qutb al-Din Shirazi, is one of the elders and luminaries of Iran and the Islamic world and one of the great characters in the history of science in the world. Despite of the popularity of Allameh Qutb al-Din in medicine, he had reached to a degree of scientific development in different fields of science, literature, art and even folk art that he can be cited as an expert in that field. Allama Qutb al-Din was so capable and diligent in mathematics, astronomy and geometry, in poetry, literature, mysticism and philosophy, in the art of calligraphy and even in public art like theatrics and magic.

The existence of all of these capabilities in a single person, expresses the inherent genius more than anything else, but besides this intelligence and ingenuity, the time and the period in which that person lived, must be considered. In discussing the issue of period, the place where the person lived in is important. Shiraz, as one of the most important cultural centers of Iran, is the birthplace of many great persons in the history that one of the most important features of the scientific character in some of them, is multidimensionality, people who sometimes accompanied their scientific expertise with artistic and literary elegance and other fields of knowledge.

In this paper, in addition to a brief review of life of Allameh Qutb al-Din Shirazi, the impact of the cultural atmosphere of Shiraz on his character and also his multidimensional character are being analyzed.

Key words: Cultural geography, Shiraz, Allama Qutb al-Din Shirazi, Medical science

Received: 12 Sep. 2013; Accepted: 11 Dec. 2013; Online published: 25 Feb 2014

Research on History of Medicine/ 2014 Feb; 3(1): 37-42



خلاصه مقاله

علامه قطب الدین شیرازی از بزرگان و مفاخر ایران زمین، جهان اسلام و از جمله شخصیت های بزرگ در تاریخ علم در جهان است. با وجود شهرت علامه قطب الدین در علم پزشکی، وی در زمینه های مختلف علمی، ادبی و هنری و حتی هنرهای مردمی به درجه ای از رشد علمی رسیده بود که می توان به عنوان متخصص آن رشته از او یاد کرد. علامه قطب الدین در علوم ریاضیات و نجوم و هندسه، در شعر و ادب و عرفان و فلسفه، در هنر خوشنویسی و حتی در هنرهای عامه همچون معرکه گیری و شعبده بازی دستی توانا و ذوقی سلیم داشته است.

وجود این همه توانایی های علمی در یک نفر بیش از هر چیز بیان کننده نبوغ ذاتی وی می باشد اما در کنار این هوش و نبوغ نمی توان زمان و زمانه آن فرد را از نظر دور داشت. در بحث زمانه موضوع مکان زندگی فرد اهمیت زیادی دارد. شیراز به عنوان یکی از مهمترین مراکز فرهنگی ایران در طول تاریخ زادگاه بزرگان زیادی است که از مهمترین ویژگی های شخصیت علمی برخی از آنها چند بعدی بودن است، افرادی که گاهاً تخصص علمی خود را با ذوق هنری و ادبی و زمینه های دیگر دانش همراه ساخته اند.

در این مقاله ضمن بررسی مختصر زندگی علامه قطب الدین شیرازی، تاثیر فضای فرهنگی شیراز بر شخصیت وی و چند بعدی بودن این شخصیت مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

کلمات کلیدی: جغرافیای فرهنگی، شیراز، علامه قطب الدین شیرازی، علم پزشکی

مقدمه

علامه قطب الدین شیرازی یکی از مفاخر بزرگ ایران و جهان اسلام است. زندگی علامه قطب الدین با فراز و فرودهای زیادی همراه است. عشق و علاقه شدید به تحصیل علوم مختلف و به ویژه علم پزشکی در دوران طفولیت و نوجوانی را باید بیش از هر چیز برخاسته از خاستگاه خانوادگی وی دانست. او در خانواده ای زاده شد که تحصیل پزشکی و طبابت جز میراث خانوادگی بود. قطب الدین در عنوان جوانی و در زمانی که به شدت به پدر به عنوان معلم، مشوق و حامی مادی و معنوی خود نیاز داشت، او را از دست داد. اگرچه مرگ پدر، ضربه بزرگی در جسم و جان این مشتاق علم وارد ساخت اما روحیه خستگی ناپذیر قطب الدین و انگیزه او در فراگیری علم، او را از ادامه راه باز نداشت. واقع آنکه قطب الدین در همین مدت کوتاه، موفق شده بود تا مسیر علمی و حیات معنوی آینده خود را مشخص کند. پس از مرگ پدر، قطب الدین به تحصیل علم پزشکی در محضر عموی خود کمال الدین ابوالخیر ادامه داد.¹

تا سن ۲۴ سالگی، قطب الدین به عنوان پزشکی حاذق و توانا در شیراز و در بیمارستان معروف آن زمان شناخته شده بود و اینک برای کسب دانش های بیشتر، هجرت به دیگر مناطق فرهنگی ایران را برگزید. شهرت خواجه نصیرالدین طوسی در علوم مختلف و به ویژه ریاضیات و نجوم، جوان با ذوق، مستعد و با انگیزه شیرازی را به مراغه کشاند. بزودی قطب الدین توانایی های خود را به خواجه نشان داد و به عنوان دستیار خواجه، در کارهای علمی و سفرهای پژوهشی او را همراهی کرد. در تمامی این مراحل، قطب الدین لحظه ای از کسب معلومات و مداوای بیماران غافل نبود.² این دوره از زندگی قطب الدین که با سفر و کسب معلومات سپری شد، تنها به مراغه خلاصه نگردید، سفرهای او به خراسان، اصفهان و سپس بغداد همه در جهت تکمیل دانش های خود و کسب دانش های جدید بود.

در حالی که قطب الدین در علوم مختلف به عنوان دانشمندی معروف شناخته شده بود، در سن ۴۰ سالگی و در سن کمال، مراحل سیر و سلوک و کسب مقامات معنوی در نزد عرفای نامدار آن زمان را آغاز کرد. مطمئناً سفر به قونیه و حضور وی در آنجا و انس با افرادی چون صدرالدین قونوی در کسب عرفان و کمالات معنوی نقش زیادی داشته است.³

در زمان اقامت در قونیه، با پذیرش مناصب اداری و قضایی دوره جدیدی از زندگی قطب الدین آغاز شد، دوره ای که با تجربه های جدیدی همراه بود. رفتارهای سیاسی و اجتماعی قطب الدین در مدت داشتن مقام های اداری و قضایی نشان داد که انتخاب این مقامات از سوی او، برخاسته از هوای نفسانی و نیازهای زودگذر به شهرت و یا حس برتری جویی نبود. او از شهرت کافی برخوردار بود و اینک پذیرش مناصب را مسیری برای خدمت بیشتر به مردم می دید. احترام او در نزد حاکمان وقت، بهترین فرصت بود تا بتواند مشکلات مردم را حل کند و به روحیه عدالت خواهی خود جلای تازه ای ببخشد. در طی این مدت، قطب الدین همچنان کسب معلومات، تدریس، تحقیق و مداوای بیماران را جز مهمی از زندگی خود می دانست.⁴

در سال ۶۸۱ ه. ق قطب الدین به عنوان سفیر صلح از سوی ایلخان مسلمان عازم مصر شد. سفری که نتیجه آن پایان دشمنی ها و نبردهای طولانی و بی فایده بین ایلخانان و مملوکان مصر بود، نبردهایی

1- Mir, n.d.: 5.

2- Ibid: 6.

3- Qutb al-Din Shirazi, 1990: 4.

4- Nadim, 2006: 15.



که پی آمد آن جز کشتار و ویرانی نبود.⁵ آخرین دوره زندگی قطب الدین زمانی است که وی منصب قضاوت را رها کرده، برای تحریر معلومات خود، به تبریز روی آورده، تمام وقت خود را صرف تحقیق و نگارش می کند. حاصل این دوره چهارده ساله، نگارش و تصنیف کتابهایی در علوم مختلف است که در پیشبرد دانش های مادی و معنوی در ایران، اسلام و جهان بسیار تاثیر گذار بوده است.⁶

از بارزترین ویژگی های شخصیت علمی و اخلاقی علامه قطب الدین که بسیار نمایان است، چند بعدی بودن شخصیت وی است. علامه قطب الدین در علوم مختلف دارای تخصص و تبحر بوده است. آثار وی در زمینه های فلسفه، ادبیات، عرفان، موسیقی، نجوم و دیگر علوم بیان کننده جامع الاطراف بودن وی است. این ویژگی تا اندازه زیادی برخاسته از شیوه تعلیم و تربیت در گذشته است، شیوه ای که در آن محصل از همان ابتدا با علوم مختلف آشنا می شد، شیوه ای که می توان از آن به عنوان شیوه سینایی نام برد. از قرن سوم تا اواخر قرن دوازدهم ه. ق این شیوه تعلیم و تربیت در ایران متداول بوده است.⁷ تخصصی نبودن علوم به مانند امروز، کنجکاوای ایرانیان و هوش ذاتی نیز به این نوع تعلیم کمک می کرد اما در مورد علامه قطب الدین باید گفت که وی به واقع در فراگیری علوم، پای خود را از همگان خود فراتر گذارده است.

افرادی چون ابن سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی، خوارزمی و بسیاری دیگر از دانشمندان اگر در علوم مختلف جامع الاطراف بودند، این علوم، علمی متداول در جامعه علمی ایران بوده است اما در زندگی علامه قطب الدین به معلومات خاصی از علامه برمی خوریم که جز علوم متداول نیست. پزشکی و فلسفه و شعر و عرفان و موسیقی و نجوم و فیزیک همه و همه از علوم متداول هستند اما کسب هنرهایی چون معرکه گیری، شعبده بازی و یا دانستن شطرنج از جمله موارد دیگری بوده که علامه به تسلط بر آن ها اشتهار داشته است.⁸

هدف نگارنده در این مقاله، تحلیل همین ویژگی علامه قطب الدین است. بر همگان معلوم است که شهر شیراز پس از اسلام و از قرن دوم تا هم اینک رونق علمی خاصی داشته است. وجود صدها اندیشمند و ادیب و عارف بزرگ در این شهر همه گویای رونق علمی در این دیار است.⁹

در اینجا نگارنده دو موضوع در ارتباط بین علامه قطب الدین و فضای فرهنگی شهر شیراز را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد. یکی بررسی و تحلیل شخصیت چند بعدی علامه و دیگری آشنایی وی با هنر و آداب منادمت.

شخصیت چند بعدی علامه قطب الدین و فضای فرهنگی شیراز

از نیمه دوم قرن هیجدهم دوران توصیفی جغرافیا به پایان رسید و جغرافیا وارد دوره علمی شد. از این زمان جغرافیا به دو موضوع اصلی جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی تقسیم شد. هومبولت و ریتز به عنوان پدر این علوم شناخته شدند و از آن پس بررسی های جغرافیایی در این دو موضوع صورت گرفت.¹⁰

از اواسط قرن گذشته موضوع دیگری در جغرافیا مطرح شد که تا اندازه ای در بردارنده هر دو تقسیم بندی پیشین بود. دانشمندان این علم، این موضوع جدید را جغرافیای فرهنگی نامگذاری کردند. جغرافیای فرهنگی مطالعه تغییرات فضایی گروههای فرهنگی و عملکرد فضایی جامعه را پوشش می دهد.¹¹

اگرچه هر مکانی می تواند با دیدگاه جغرافیای فرهنگی مورد توجه قرار گیرد اما برخی از شهرها، روستاها و دیگر اماکن به دلیل ویژگی بارز در جغرافیا و تاثیر آن بر فرهنگ، شاخص تر هستند. شیراز از جمله نواحی است که تحقیق از جنبه جغرافیای فرهنگی در آن اطلاعات جالبی در اختیار محققان این علم و دیگر علوم قرار می دهد. نگارنده تنها یک ویژگی شاخص جغرافیایی این شهر را که در فرهنگ آن بسیار تاثیر گذار است را مورد بررسی قرار می دهد و آن اعتدال اقلیم است. شیراز از جنبه های مختلف در موقعیتی بسیار اعتدالی واقع شده است. فاصله شرقی ترین تا غربی ترین نقطه ایران برابر با ۱۹ درجه و ۱۳ دقیقه است. این بدان معناست که اختلاف ساعت این دو نقطه برابر با یکساعت و شانزده دقیقه و ۵۲ ثانیه است.¹² در ایران اختلاف ساعت نداریم اما اختلاف نصف النهار و ظهر شرعی وجود دارد. شرقی ترین نقطه ایران دارای ۶۳ درجه و ۱۸ دقیقه طول جغرافیایی و غربی ترین نقطه مرزی دارای ۴۴ درجه و ۵ دقیقه طول جغرافیایی است. اگرچه برخی تهران را به عنوان نصف النهار مبدا معرفی می کنند اما شیراز با ۵۲ درجه و ۴۰ دقیقه طول جغرافیایی و نزدیکترین ظهر به ظهر شرعی نصف النهار مبدا است.¹³

به لحاظ اقلیمی در هیچ شهری تغییر فصول به اندازه شهر شیراز محسوس نیست. در مناطق شمالی و غربی و برخی نواحی شرقی فصل بهار که بهترین شاخصه تغییر فصول و نو شدن است، دیرتر آغاز می شود و در مناطق جنوبی زودتر.¹⁴

- 5- Ebn ol Ebri, 1985: 388.
- 6- Nadim, 2006: 17.
- 7- Qutb al-Din Shirazi, 1990: 68.
- 8- Ibid: 33
- 9- Sami, 1969: 28-70.
- 10- Safi Nezhad, 1994: 10.
- 11- Jordan et al., 2001: 11.
- 12- Safi Nezhad, 1994: 76.
- 13- Ibid: 78.
- 14- Emdad, 1961: 16.



در تقسیم بندی جغرافیای فارس، در فارس خطی اعتدالی وجود دارد که شمال آن سردسیر و جنوب آن گرمسیر است. شیراز بر روی این خط واقع است.¹⁵ غیر از این، احاطه شیراز در بین کوهها، باغ های متعدد و رودخانه فصلی که در زمانی به نام خرم دره و زمانی دیگر به رودخانه خشک معروف است،¹⁶ موجب اعتدال طبیعی در این شهر شده است.

این اعتدال بیش از هر چیز بر جسم و جان، روحیه و به قول قدما دماغ ساکنان آن تاثیر گذارده است. وجود بزرگان در یک شهر نمودی از ساکنان آن است و بدون هیچ گزاف بیشترین تعداد مفاخر بزرگ در عرصه های مختلف در فرهنگ ایرانی - اسلامی از آن این شهر بوده و در این راستا نمی توان تاثیر اقلیم اعتدالی آن را نادیده گرفت.¹⁷ بیشترین تاثیر اعتدال بر روحیه شیرازی ها را می توان در دو ویژگی بارز تشخیص داد: یکی در وسعت نظر و دیگری به اصطلاح شیرازی ها دل به نشاطی یا همان شور و نشاط زندگی.

سخن نگارنده در مورد وسعت نظر است. در این شهر، دانشمندان جامع الاطراف بسیار زیاد است اما برخی به دلیل شاخص بودن در یک موضوعی خاص، به همان علم مشهورند، در حالی که اگر زندگی آنها مورد بررسی قرار گیرد، این مفاخر نیز جامع العلوم بوده اند. به عنوان نمونه سعدی و حافظ تنها به عنوان شاعرانی بزرگ معروفند اما سعدی تمامی علوم زمان خود را فرا گرفته بود و در نظامیه بغداد به عنوان یکی از مهمترین مراکز علمی آن زمان، تحصیل می کرد، جایی که هر محصل تازه وارد و ناآشنایی توان و اجازه رفتن به آنجا را نداشت.¹⁸ آنچه هست سعدی همه علم و دانش خود را در بیان شعر به خدمت گرفته است و به همین دلیل سعدی را بیشتر شاعری با اشعار تعلیمی می دانند و برخی غافل از آنکه در پشت این تعلیمات، دانش های زیادی نهفته است. غزلیات حافظ او را شاعری توانا و عارف مطرح ساخته است اما در لابلای این اشعار می توان به دانش حافظ در علوم دیگر پی برد.¹⁹

سخن از علامه قطب الدین است، دانشمندی جامع العلوم در علوم متداول، اما آشنایی علامه با دانش های مردمی همچون معرکه گیری و شعبده بازی را تنها از همین دیدگاه یعنی وسعت نظر می توان تحلیل کرد. در آن زمان و حتی تا هم اکنون آشنایی علما و دانشمندان با برخی از دانش ها و مهارت های عامه جدا از عدم رواج، چندان مقبول نبوده است، چنانکه در منابع اندک مربوط به زندگی علامه، بعضاً از اینکه وی در تفریحات مردم شرکت می کرده است، گلایه شده و ساختن داستان های جعلی²⁰ در مورد شوخی های علامه نیز به نوعی بیان کننده ریشخند روزگار علمی نسبت به این دانشمند است، هر چند که علامه به واقع شوخ طبع و بذله گو بوده است. در مورد افراد دیگری چون سعدی با وسعت دیدی مانند علامه نیز این داستان های جعلی که گاهاً سخیف است در منابع فراوان است.²¹

بهر حال چنانکه گفته شد نمی توان تاثیر اعتدال اقلیم را بر روحیه ساکنان این شهر و بزرگان آن نادیده گرفت و از جمله تاثیرات وسعت نظر و آزادی مشرب آنها است. همان شور و نشاط زندگی نیز با وسعت دید در ارتباط است و رفتارهای مردمی علامه و شوخ طبعی وی هم بیان کننده وسعت دید اوست و هم نشاط زندگی در نزد او.

علامه قطب الدین و آداب منادمت

یکی از آداب مهم در دربارهای ایرانی و به ویژه پس از اسلام، آداب ندیمی بوده است. رسیدن به مرتبه ندیمی بسیار دشوار بوده است زیرا که ندیم باید دارای هنرها، دانایی ها و شرایط خاصی باشد که در هر فردی وجود نداشته است. در منابع مختلف و از جمله آداب الملوک ها و سیر الملوک ها در مورد آداب ندیمی مطالبی آمده است.²² در مورد شخصیت علامه قطب الدین در هیچ منبعی از جایگاه ندیمی وی سخنی به میان نیامده است اما شواهد نشان می دهد که وی با وجود ارتباط با شاهان و امرا و جایگاه و منزلت وی در بین آنها، جدا از هنرها و دانش های مختلف به این هنر نیز آراسته بوده است. در اینجا برای بررسی بیشتر مطلب عین نوشته های قابوسنامه در باب سی و هشتم در آداب ندیمی بیان می شود.

"و اگر پادشاه ترا ندیمی خویش فرماید اگر آلت منادمت پادشاه نداری مپذیر که هر که ندیمی پادشاه کند چند خصلت اندر وی بیاید که بود. اول که باید هر پنج حواس وی به فرمان وی بود و نیز باید که لقایی دارد که مردمان را از دیدن وی کراهیتی نباشد تا این ولی نعمت از دیدن وی ملول نشود. باید که این کس دبیری داند تازی و پارسی تا اگر وقتی به خلوت اندر ملک را به دبیری حاجت بود به خواندن یا نشستن و دبیر حاضر نبود، این پادشاه ترا خواندن فرماید برای نشستن، عاجز نباشی. دیگر باید که اگر ندیم شاعر نباشد در شعر بداند، نیک و بد نظم بر وی پوشیده نباشد و اشعار تازی و پارسی بسیار داند تا اگر خداوند را بگاه و بیگاه به بیتی حاجت افتد، شاعری را طلب نباید کرد یا خود بگوید یا خود روایت کند. و همچنین اندر طب و علم نجوم بداند تا اگر ازین صناعت سخنی رود یا بدین حاجت آید تا آنکه که طیب و منجم آیند تو آنچه دانی بگویی تا

- 15- Schwarz, 1993: 37.
- 16- Afsar, 1995: 6.
- 17- Sami, 1968:3
- 18- Movahed, 1995: 51.
- 19- Estelami, 2008: 48-50.
- 20- Mir, n.d.: 33.
- 21- Ibid: 25.
- 22- Voshmgir, 1973: 203.



23- Ibid: 203-5.

24-Minov et al., 1969: 165.

شرط منادمت بجای آورده باشی تا این پادشاه را به هر علمی بر تو اعتماد افتد. باید که اندر ملاهی تو را دست بود، چیزی بدانی زدن تا مگر خلوتی بود که مطرب را جای نبود تا بدانچه دانی وقت او خوش همی داری تا وی را بدان سبب بر تو ولعی دیگر باشد. و نیز چنان باید محاکمی باشی و بسیار حکایت های مضاحک و سخن مسکته و نوادرهای بدیع یاد داری که ندیمی بی حکایات و نوادر ناتمام باشد. و نیز باید که نرد و شطرنج باز باشی و لکن نه چنانکه مقامر باشی که هر که به طبع مقامر باشد ندیمی ملوک را نشاید. و باید که قرآن دانی و از ظاهر تفسیر خیر داری و طرفی از فقه و اخبار رسول علیه السلام بدانی و از علم شرع از هر چیزی خبر داری تا اگر در مجلس پادشاه ازین معنی سخن رود جواب دانی دادن و طلب قاضی و فقیه نباید گرفتن. و نیز باید که بسیار سیر ملوک خوانده باشی و بدانسته و به تن خویش خدمت پادشاهی کرده باشی تا پیش خداوند خصلت های ستوده ملوک گذشته همی گویی تا آن اندر دل پادشاه کار کند و بندگان خدای تعالی را اندران نفعی و تفرجی همی باشد. و باید که اندر تو، هم جد باشد و هم هزل اما باید که وقت استعمال سخن بدانی که کی باشد و وقت جد هزل نگویی و وقت هزل جد نگویی که هر علمی که بدانی و استعمال آن ندانی کردن دانستن و نادانستن آن به نزدیک مردمان یکی باشد. و با این همه که گفتم باید که اندر تو رجولیتی باشد که این ملک نه همه به عشرت مشغول بود و چون وقت مردی بود باید که مردی نمایی.²³

تمامی این شرایط و اوصاف در شخصیت و ویژگی های علامه قطب الدین به خوبی نمایان است. او از هوش ذاتی بالایی برخوردار بوده، دبیری عربی و فارسی را بخوبی می داند، خود شاعری توانا است، در علم طب و نجوم سرآمد است، با موسیقی به خوبی آشناست، شوخ طبع و بذله گو است، در بازی شطرنج ماهر است، فقه و تفسیر قرآن را می داند و اهل تاریخ است.²⁴ با این توضیحات باید گفت که اگرچه در منابع موجود از این هنر علامه سخنی به میان نیامده است اما منزلت او در دربار شاهان و خدمت به مردم نشان می دهد که وی جدا از همه دانش ها با هنر و آداب ندیمی نیز مانوس بوده است.

نتیجه سخن آنکه در مورد شخصیت چند بعدی علامه قطب الدین شیرازی نمی توان خاستگاه وی و محل بالندگی او یعنی شهر شیراز را نادیده گرفت. این شخصیت چند بعدی بیش از همه بیان کننده وسعت نظر و آزادی مشرب علامه است و از دیدگاه جغرافیای فرهنگی اقلیم اعتدالی شیراز بر روح و روان علامه و افرادی چون او تاثیر زیادی گذارده است تا آنجا که می توان این وسعت نظر را در اقلیم اعتدالی شیراز جستجو کرد. سخن دیگر آنکه با توجه به ویژگی هایی که در متون گذشته برای آداب ندیمی و جایگاه و منزلت ندیم در دربار شاهان سخن رفته است، شواهد نشان می دهد که علامه قطب الدین به داشتن این هنر در کنار دیگر هنرها آراسته بوده است.

References

- Afsar K. [Tarikh Baft Ghadimi Shiraz]. Tehran: Ghatreh. 1995. [in Persian]
- Ebn ol Ebri. *Translated of History of Mokhtasar old oval*. Translated by Tajpur MA, Riyazi H. Tehran: Etelaat. 1985. [in Persian]
- Emdad H. *Shiraz in Past and Now*. Shiraz: Mousavi. 1961. [in Persian]
- Estelami M. [Hafez n Gofteh Hafez, Iek shenakht manteghi]. Tehran: Negah. 2008. [in Persian]
- Jordan TJ, Rawentry L. *A preface on cultural geography*. Translated by Tavallaei S, Soleimani M. Tehran: Pazhooheshgah Farhang, Honar va Ertebatat. 2001. [in Persian]
- Minovi M, Afshar I. *Iranian Memory of Minorsky*. Tehran: Tehran University. 1969 [in Persian]
- Mir MT. [Sharh Hal va Asar Allameh Qutb al-Din Mahmood bin Masoud Shirazi]. Shiraz: n.p. n.d. [in Persian]
- Movahed Z. *Sa'adi*. Tehran: Tarh Nou. 1995. [in Persian]
- Nadim M. *Biography of Allame Qutb al-Din Shirazi*. Shiraz: Foundation for Fars Studies. 2006. [in Persian]
- Qutb al-Din Shirazi. [Dorat al-Taj]. Corrected by Homaei MB. Teh-



ran: Sherkat Entesharat Elmi Farhangi. 1990. [in Persian]

Safi Nezhad J. *Basics of human geography*. Tehran: Tehran University Publication. 1994. [in Persian]

Sami A. *Shiraz*. Shiraz: Mousavi. 1969. [in Persian]

Schwarz P. *Historical geography of Fars*. Translated by Jahandari K. Tehran: Anjoman Asar va Mafakher Farhangi. 1993. [in Persian].

Voshmgir G. [*Ghabousnameh*]. Corrected by Yousefi GH. Tehran: Bongah Tarjomeh va Nashr Ketab. 1973. [in Persian].

